

بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO



عروف مشبهه بالفعل ، لای نفی جنس

درس یک عربی دوازدهم

تعريف: حروف هستند که بر سر مبتدا و خبر می‌آیند، مبتدا را منصوب و اسم خود می‌گردانند و خبر مرفوع باقی مانده، و خبر حروف مشبهه بالفعل می‌شود.

حروف مشبهه بالفعل: إِنْ (همانا، بدرستی که) أَنْ (که، اینکه) - كأنْ (مثل اینکه گویا که) - لیت (ای کاش) - لکن (ولی) - لعل (امید است، شاید)

اسم حروف مشبهه بالفعل **ضمیر متصل:** لیتک صادقةُ
اسم ظاهر: لعل الطالباتِ ناجحاتُ

ـ تذکر: اسم حروف مشبهه بالفعل **صیغه گاهه ضمیر متصل نیست**

به براین صمیمه باید در جمله ریده شود

اسم: لکنَ الوالدين شفیقانِ
خبر حروف مشبهه بالفعل **فعل: إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ**
جار و مجرور: كأنَ العزة للمؤمنين

حروف مشبهه بالفعل

نکات

(۱) مطالبی که درباره مبتدا و خبر گفته شد در مورد اسم و خبر حروف مشبهه بالفعل نیز صدق می‌کند. به مثال‌های زیر دقت کنید.

عليکم: خبر مقدم، (جار و مجرور)

لکن: حروف مشبهه بالفعل

-لکن عليکم صبراً:

صبراً: اسم لکن مؤخر (نکره).

- إِنَّ الْإِسْلَامَ دِيْنُ الْعِبَادَةِ وَالْعَمَلِ:

العبادة: مضاف اليه و مجرور

دین: خبر إِنْ و مرفوع
العمل: معطوف

الإسلام: اسم إِنْ و منصوب
واو: حرف عطف

أولئک: اسم إِنْ و منصوب

يفوزون: خبر، جمله فعلیه

كأنَ الرجال في الآخرة يفوزون:

في الآخرة: جار و مجرور

الرجال: تابع منصوب به تبعیت

(۲) هرگاه مای کافه (بازدارنده) به حروف مشبهه بالفعل متصل شود این حروف را از عمل باز می‌دارد؛ در این حالت جمله متشکل از مبتدا و خبر (هر دو مرفوع) خواهد بود. (برای مطالعه)

واحد: خبر

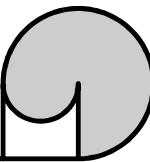
الله: مبتدا

أَنَّمَا اللَّهُ وَاحْدَى

(۳) پس از حروف مشبهه بالفعل، «فعل» و «ضمیر منفصل» نمی‌آید.

(۴) اگر جمله با ضمیر منفصل (مبتدا) آغاز شده باشد و بخواهیم قبل از آن حروف مشبهه بالفعل بیاوریم باید ضمیر منفصل به ضمیر متصل تبدیل شود؛ مانند: انتم صادقون ← إنكم صادقون

(۵) گاهی اوقات «لیت» به صورت «یا لیت» می‌آید: یا لیتنی کنث تراباً



معانی حروف مشبهه بالفعل:

در ترجمه‌ی «حروف مشبهه بالفعل» به نکات زیر دقت کنید:

الف- إِنْ (همانا - به درستی که)، در ابتدای جمله می‌آید، اما ترجمه کردن آن اختیاری است یعنی در تست‌های

ترجمه‌ی کنکور چه ترجمه شود و چه نشود گزینه درست است:

إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ ← همانا خداوند توانا است / خداوند توانا است.

إِنَّ الْتَّدْبِيْنَ فَطْرَى فِي الْإِنْسَانِ.

ب- «أَنْ» (که - این که) در وسط جمله می‌آید و دو جمله را به هم ربط می‌دهد:

«قد رُوِيَ أَنَّ الرَّسُولَ الْأَكْرَمَ ذَهَبَ يَوْمًا إِلَى الْمَسْجِدِ»: روایت شده است که رسول اکرم روزی به مسجد رفت.

ج- «لَانْ» (لـ جازه + أَنْ) به معنی «زیرا - برای این که» است:

اللَّهُ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ لَاَنِّي أَحِبُّهُ كَثِيرًا: خداوند مرا وارد بهشت می‌کند زیرا او را بسیار دوست دارم.

د- «إِنَّمَا» به صورت «فقط، تنها و مسلمًا» ترجمه می‌شود و به آن اادات حصر و تأکید می‌گویند و ترجمه‌ی آن الزامی

است: أَنَّمَا اللَّهُ وَاحِدٌ: فقط خداوند یکی است. أَنَّمَا الصَّدَاقَةُ واجبة: مسلمًا راستی واجب است.

ه- در صورتی که خبر «لیت» و «لعل»، فعل مضارع باشد به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود:

ليت الإنسان يدرك سر هذا المجال: ای کاش انسان راز این زیبایی را درک کند.

لعل الطالب ينجحون في الامتحان: شاید دانش‌آموزان در امتحان موفق شوند.

مثال: «سَيَّهَ (ای کاش - کاش)» زمانی استفاده من خود که امکان وقوع فعل «أَنَّمَا» و «لعل» (امید است - شاید) «مریوط به هنگامی است که امکان وقوع فعل «زیرا» است.

مثال ۲: اگر پرس از «لیت» فعل ماضی باید به صورت «ماضی استمراری» ترجمه من شود:

ليت أصدقائي إجتهدوا في دروسهم: ای کاش دوستانم در درس هایشان تلاش می‌کردند.

و- «لکن» به معنای «ولی - اما» است و برای کامل کردن پیام و ابهام جمله‌ی قبل است:

فهذا يوم البعض ولكنكم كنتم لا تعلمون: این رستاخیز است اما نمی‌دانستید.

ز- «كأن» به معنی (گویی، مثل اینکه، مانند) است و گاهی اوقات برای بیان شباهت استفاده می‌شود:

كأن ارضاء جميع الناس غاية لا تدرك. گأنهنه الياقوث و المرجان.

تعریف: حرفی است که بر سر مبتدا و خبر می‌آید و وجود را به صورت مطلق نفي

می‌کند و معنای «هیچ، هیچ نیست» می‌دهد. عملکرد لای نفي جنس همانند

حروف مشبهه بالفعل است، یعنی اسم آن منصوب و خبر آن مرفع است

فقط فتحه می‌گیرد

شرط اسم لا نفي جنس تونین نمي‌گيرد

لای نفي جنس نکره است (هیچ کدام از معارف شش گانه اسم لای نفي جنس واقع نمي‌شود)

مانند: لا کاذب فائز و لاخیر فی الظل

اسم: لاتلمید غائب

خبر لای نفي جنس فعل: لامقاتل يرجع من المعركة

جار و مجرور: لا معلم فی المدرسة

نکات

(۱) خبر لای نفي جنس بر اسمش مقدم نمي‌شود یعنی همیشه بلافاصله پس از لای نفس جنس، اسم آن می‌آيد؛ بنابراین نمي‌گوییم:

لا في الصفِ تلميذَ

(۲) در صورتی که ، خبر لای نفس جنس، (اسم) باشد، باید حتماً نکره باشد: لا کاذب فائز.

جمع بندی انواع «لا» در کتابهای درس:

۱- «لا» جواب، به معنی «نه» است و در پاسخ به جملاتی است که با «أ» و «هل» آغاز می‌شود:

أ أنتِ تلميذة؟ «لا» أنا موظفة

۲- لای نھی: لای جلس ° - لاتقتلوا

۳- لای نفي: لای علُم - لا تضحكين

تذکر: «لا» نص و نفی درس ° عربی یازدهم مورد بررسی طارم گرفته.

۴- لای نفي جنس: لا خیر فی قولِ الآمَّ الفعل

تذکر: «لا» نص و نفی بر سر فعل مضارع و «لا» نفی جنس بر سر اسم من آید.

تذکر: در تخصیص «لا» نفی جنس «شرط «اسم لا» بیهوده است.

لافقر كالجهل و لا میراث كالادب.

اینچه‌ها ترجمه

در تست‌های ترجمه به معنای حروف مشبهه بالفعل، به ویژه لیث و لعل و تأثیر آن‌ها در ترجمه‌ی فعل دقت کنید.

نوع «لا» و ترجمه‌ی دقیق آن در ترجمه بسیار مهم است.

لای نفي جنس به صورت «هیچ» و «هیچ نیست» ترجمه می‌شود.

بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

